

کنگره سوم حزب با موفقیت برگزار شد

عزم مشترک بر متن سرود انترناسیونال که سالن را به لرزه درآورده بود خاتمه یافت. روز بعد از پایان کنگره، یکشنبه ۱۵ اکتبر، به جلسه عمومی بحث آزاد اختصاص داشت. در این نشست یکروزه که با شرکت نمایندگان و تعداد کثیری از ناظرین برگزار شد، مسائل مختلف منجمله استراتژی حزب در کردستان، کمپین "اول کودکان"، سازمان جوانان کمونیست، فدراسیون پناهندگان، جنبش اعتراضی زنان در ایران و "جنبش سرنگونی، شعارها و آلترناتیوها" بحث و تبادل نظر گردید. کنگره از هر نظر، و بخصوص از نظر حفظ امنیت و تامین آسایش همه شرکت کنندگان، به بهترین نحو ممکن سازمان یافته بود. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران از همه نظر یک پیروزی بزرگ بود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اکتبر ۲۰۰۰

مجید حسینی، منصور حکمت، عبدالله دارابی، شهلا دانشفر، صالح سرداری، ثریا شهابی، فاتح شیخ الاسلامی، مصطفی صابر، ایرج فرزاد، محمود قزوینی، امان کفا، اصغر کریمی، اعظم کم گوین، مریم کوشا، اسد گلچینی، آذر ماجدی، مظفر محمدی، آذر مدرسی، سیاوش مدرسی، کورش مدرسی، حسین مرادیگی، مریم نمازی، اسد نودینیان و نسان نودینیان. قابل ذکر است که در پایان هر اجلاس نیم روزه، تعدادی از ناظرین و میهمانان کنگره، با دیدگاهها و نقطه نظرات گوناگون، فرصت یافتند تا از تریبون کنگره حزب کمونیست کارگری خطاب به حاضرین سخنرانی کنند. در پایان کنگره بیست نفر از ناظران و میهمانان در میان استقبال پرشور حاضرین به حزب کمونیست کارگری ایران پیوستند.

کنگره پس از دو روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری در فضائی شورانگیز و رزمنده، در یک نمایش عظیم اتحاد و

های اصلی کنگره، و سخنرانی های کلیدی در مباحث مختلف، همگی بر ضرورت آمادگی حزب برای ورود به این دوره خطیر و تاریخساز تاکید داشتند. اسناد و مصوبات و نوآرها و ویدیوی مباحثات کنگره بزودی در اختیار عموم قرار خواهد گرفت. کنگره ۳۰ نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی حزب انتخاب نمود. در بازشماری آراء که بنا به مصوبه پلنوم کمیته مرکزی بلافاصله پس از کنگره صورت گرفت، مشخص شد که یک نفر دیگر از کاندیداها نیز آراء کافی بدست آورده است و بنا به تصمیم کمیته مرکزی طی مصوبه ویژه ای تعداد اعضای کمیته به ۳۱ نفر افزایش یافت. اعضای کمیته مرکزی جدید حزب عبارتند از:

محسن ابراهیمی، مینا احدی، رییوار احمد، فاتح بهرامی، حمید تقوائی، علی جوادی، رحمان حسین زاده،

روزهای خونین فلسطین

روزهای سرنوشت صلح خاورمیانه

اما حل مساله فلسطین و برقراری صلح در خاورمیانه سالهاست که دیگر بعنوان یک ضرورت زمانه در برابر غرب و اسرائیل قرار گرفته است. نه قلدری اسرائیل و نه میداننداری ناسیونالیسم عرب و فنانیسم اسلامی در منطقه جوابگوی معضلات امروزند. دوره اینها بسر آمده است. امتناع اسرائیل از گردن گذاشتن به این ضرورت، تنها یک ضرورت دیگر را اثبات میکند: ضرورت تغییر بنیادی در جامعه اسرائیل و در گام اول تبدیل نظام پوسیده مذهبی قومی حاکم بر آن به یک نظام سکولار رها از مذهب و قومگرایی. تغییر نظام سیاسی اسرائیل به سود تساوی حقوق سیاسی و مدنی

فلسطینیان با نیروهای اشغالگر به مهلکه نینداخته است، این به مهلکه افتادن صلح توسط اسرائیل است که درگیری ها و فجاج جاری را بیار آورده است. دولت اسرائیل دارد یک بار دیگر به مردم خود و مردم فلسطین جنگ و سرکوب و جنایت تحمیل میکند. هم توده مردم اسرائیل به صلح نیاز دارند و هم فلسطینیان خواهان رهایی از پنجاه سال کشتار و سرکوب، خواهان صلح و آزادی اند. اینکه اسرائیل این حقیقت ساده را نمی پذیرد و حتی با "فشار" دول غرب و سازمان ملل شان هم زیر بار صلح نمیروند، به اندازه کافی درباره ماهیت ضدمردمی، تجاوزگر و صلح ستیز این دولت و حامیانش گویاست.

فاتح شیخ الاسلامی

در سه هفته خونینی که بر مردم فلسطین گذشته بیش از صد تن در درگیری با نیروهای اشغالگر کشته شده اند و ابعاد کشتار هنوز ممکن است با بلا اثر ماندن نشست شرم الشیخ باز هم گسترش یابد. احزاب مختلف اسرائیل از حزب حاکم باراک تا اپوزیسیون آن، در تاکید بر ادامه کشتار متفق القول اند. با این اتفاق رای نامقدس، سنگینی فجاج فقط در ابعاد تلفات مستقیم آن نیست، بحران جاری میروند که سرنوشت صلح را رقم بزند. برخلاف ادعای باراک، صلح را درگیری

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران با شرکت ۱۴۳ نفر از ۱۵۰ نماینده منتخب اعضای حزب و قریب ۱۸۰ نفر از ناظرین و میهمانان در روزهای ۱۳ و ۱۴ اکتبر در شهر کینهاک در دانمارک برگزار گردید. برای نخستین بار کنگره یک حزب سیاسی ایران، یک حزب کمونیست انقلابی، بطور علنی برگزار میشود و شرکت در آن برای عموم آزاد بود. علاوه بر نمایندگان تشکیلاتهای مختلف حزب، عده کثیری از علاقمندان، از خطوط سیاسی مختلف، از استرالیا تا آمریکا، در این نشست پرشور و باشکوه حضور یافتند. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری یک واقعه تاریخی و فراموش نشدنی در تاریخ کمونیسم انقلابی و کارگری ایران بود.

کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. کنگره سپس اعتبارنامه نمایندگان و آئین نامه و دستور مباحثات را به تصویب رساند و با سخنرانی افتتاحیه منصور حکمت، دبیر کمیته مرکزی حزب، وارد دستور شد. دستور جلسه کنگره عبارت بود از:

- ۱- گزارش عرصه های مختلف فعالیت حزب،
- ۲- اوضاع سیاسی ایران
- ۳- طبقه کارگر و قدرت سیاسی
- ۴- وضعیت مالی حزب،
- ۵- تحولات سیاسی ایران و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری.

۶- بررسی قرارها و قطعنامه های کوتاه

۷- انتخابات کمیته مرکزی جدید حزب

تم اصلی کنگره، که کلیه مباحثات را بهم مرتبط و متصل میکرد، اوضاع بحرانی ایران، دورنمای سقوط جمهوری اسلامی و نقش ویژه حزب کمونیست کارگری ایران در جدال جاری بر سر سرنوشت جامعه ایران بود. قطعنامه

پیرامون مباحث کنگره سوم

مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت



آذر ماجدی - شما در این سخنرانیان که با استقبال بسیار گرم شرکت کنندگان در کنگره مواجه شد، راجع به دریاچه ای صحبت کردید که به روی کمونیسم کارگری باز شده. چرا این تشبیه را استفاده کردید؟

منصور حکمت - من میخواستم اینرا تاکید کنم که اولاً فرصتی که برای ما بوجود آمده محدود است و تا ابد باز نیست. دروازه بزرگی نیست. پیروزی ساده نیست، محتوم نیست. اجتناب ناپذیر نیست. بلکه یک فرصت تاریخی است و میخواستم حزب را فراخوانم و میگویم، جمهوری اسلامی رفتنی است. عمر جناحهای اصلاح طلب حکومت باندازه خود حکومت است. یعنی اگر جمهوری اسلامی ای در کار نباشد، جناح اصلاح طلب آن هم بی معنی است. آن جناحی که الان جناح اصلاح طلب حکومت را تشکیل میدهد نیرویی در آینده ایران نخواهد بود و نقشش تا وقتی مطرح است که جمهوری اسلامی هست. باید حکومت اسلامی باشد که آنها بخواهند اصلاحش کنند. در نتیجه آنها که میخواهند جمهوری اسلامی را نگاه دارند، با سرنگونی جمهوری اسلامی اعتبار سیاسی شان هم از بین میرود و نقش شان در جامعه ایران بشدت حاشیه ای میشود. نیروهای دیگری عروج میکنند. حزب کمونیست کارگری چه جامعه را نمایندگی میکند، و من فکر میکنم که محافظه کاران طرفدار غرب بیرون حکومت فعلی، رژیم سابقی ها، جریانات ناسیونالیست، جمهوریخواه و غیره که علناً پرو غرب هستند، جناح راست جامعه را نمایندگی خواهند کرد. جدال این چپ و راست سرنوشت مملکت را تعیین میکند. قطعنامه میخواستم اینرا بگویم که چه میتواند پیروز بشود. راه طولانی و سختی است ولی میتواند این پیروزی بدست بیاید. حزب کمونیست کارگری میتواند بعد از مدتها پرچمدار عروج کمونیسم در یک کشور مهم جهان باشد. نه تنها سرنوشت این مساله در ایران، بلکه سرنوشت کمونیسم در جهان میتواند از این حرکت مردم ایران تاثیر بپذیرد. و اوائل قرن بیست و یک میتواند خیلی شبیه اوائل قرن بیست

شده شود.

آذر ماجدی - یکی دیگر

اگر ما میخواستیم راه این اپوزیسیون را طی کنیم که هیچ صحبتی از یک پیروزی علیه جمهوری اسلامی یا یک جامعه آزاد هم نمیتوانستیم بکنیم. این اپوزیسیون یک اپوزیسیون از پا افتاده، بدون تاثیر، خنثی و حاشیه ای است. بدون مهمی از تاریخ جنبش ما، یعنی جنبش کمونیسم کارگری، جدا شدن از سنت های عقب مانده و تحمیل شده توسط اختناق است که در اپوزیسیون ایران حاکم بوده. واضح است ما الگوهای این اپوزیسیون را نپذیرفته ایم و همیشه آنرا نقد کرده ایم و از آن فاصله گرفته ایم.

آذر ماجدی - آیا این باین معنا است که نوارهای مباحث یا نوارهای ویدئوی ای که در کنگره گرفته شد در اختیار مردم قرار داده خواهد شد؟ آیا در ایران مردم میتوانند به این نوارها دسترسی داشته باشند؟

منصور حکمت - اگر رژیم اسلامی و وزارت ارشاد و اصلاح طلبان و غیره رضایت بدهند که مردم بتوانند به چنین نوارهایی دسترسی پیدا کنند که قطعاً بدست همه خواهد رسید! ما حتماً این نوارها را تکثیر میکنیم و در اختیار محافل مختلف در ایران قرار میدهم. ما بطرف مختلف اینها را در ایران پخش خواهیم کرد. واضح است که در این اختناق بخشی از کار هم بدوش خود مردم است، که بروند و نوارها را پیدا کنند. چون نمیتوانیم متأسفانه این مباحث را مثل شرح جلسات دفتر تحکیم وحدت یا صحبتهای خامنه ای در نماز جمعه بگذاریم سر خیابان. ولی کاری میکنیم که این نوارها وسیعاً در ایران پیدا شود، و هرکس یک قدم بردارد بتواند پیدایش کند.

منصور حکمت - کنگره هر حزب سیاسی باید علنی باشد. اصل بر این است که احزاب سیاسی پدیده هایی علنی هستند و کنگره هایشان هم علنی است. و نه فقط علنی است، باید قاعدتاً رادیو و تلویزیون کنگره احزاب بزرگ را بطور زنده برای مردم پخش کنند. کنگره باید جایی باشد که هر کسی میخواهد از نزدیک شاهد مباحثات باشد، بتواند در آن شرکت کند و به مباحثات گوش دهد، همانطور که در مجلس یک کشور میشود رفت و به مباحثات گوش داد، در کنگره یک حزب سیاسی اصلی جامعه هم باید بتوان همین کار را کرد. اینکه احزاب کمونیستی ناگزیر شده اند راه فعالیت مخفی را اختیار کنند، یا چنین مجامعی را پنهانی انجام دهند، بخاطر فشارهای پلیسی و نظامی دولت های استبدادی و خطر تروریسم دولتی و غیره است. وگرنه اگر این فرضیات را برداریم هر حزب کمونیستی باید کنگره اش در دسترس مردم باشد و مردم باید از آن مطلع باشند. این یک اتفاق عمومی است و باید در دسترس عموم باشد. حزب کمونیست کارگری یک گروه کوچک تئوریک و یا تبلیغاتی نیست که مسائش بخودش مربوط باشد. یک حزب سیاسی معتبر کشور است و مساله ای که برای این حزب اتفاق میافتد مثل کنگره، یک مساله عمومی است و عموم باید بتوانند به آن دسترسی داشته باشند.

آذر ماجدی - البته قبول میکنید که این یک سنت شکنی است در میان اپوزیسیون ایران، چون تا بحال چنین اتفاقی نیافتاده که سازمان های اپوزیسیون کنگره ها و یا کنفرانس های سازمانی خود را علنی اعلام کنند.

منصور حکمت - به آن اپوزیسیون کاری نداشته باشید، منصور حکمت - کنگره سوم حزب کمونیست کارگری آخرین مجمع بزرگ مقننه و تصمیم

منصور حکمت - البته ما از رادیو انترناسیونال بعضی از مباحث را پخش خواهیم کرد. اهمیت این کنگره حزب کمونیست کارگری در شرایط حاضر چیست؟

منصور حکمت - کنگره سوم حزب کمونیست کارگری آخرین مجمع بزرگ مقننه و تصمیم

منصور حکمت - من میخواستم اینرا تاکید کنم که اولاً فرصتی که برای ما بوجود آمده محدود است و تا ابد باز نیست. دروازه بزرگی نیست. پیروزی ساده نیست، محتوم نیست. اجتناب ناپذیر نیست. بلکه یک فرصت تاریخی است و میخواستم حزب را فراخوانم و میگویم، جمهوری اسلامی رفتنی است. عمر جناحهای اصلاح طلب حکومت باندازه خود حکومت است. یعنی اگر جمهوری اسلامی ای در کار نباشد، جناح اصلاح طلب آن هم بی معنی است. آن جناحی که الان جناح اصلاح طلب حکومت را تشکیل میدهد نیرویی در آینده ایران نخواهد بود و نقشش تا وقتی مطرح است که جمهوری اسلامی هست. باید حکومت اسلامی باشد که آنها بخواهند اصلاحش کنند. در نتیجه آنها که میخواهند جمهوری اسلامی را نگاه دارند، با سرنگونی جمهوری اسلامی اعتبار سیاسی شان هم از بین میرود و نقش شان در جامعه ایران بشدت حاشیه ای میشود. نیروهای دیگری عروج میکنند. حزب کمونیست کارگری چه جامعه را نمایندگی میکند، و من فکر میکنم که محافظه کاران طرفدار غرب بیرون حکومت فعلی، رژیم سابقی ها، جریانات ناسیونالیست، جمهوریخواه و غیره که علناً پرو غرب هستند، جناح راست جامعه را نمایندگی خواهند کرد. جدال این چپ و راست سرنوشت مملکت را تعیین میکند. قطعنامه میخواستم اینرا بگویم که چه میتواند پیروز بشود. راه طولانی و سختی است ولی میتواند این پیروزی بدست بیاید. حزب کمونیست کارگری میتواند بعد از مدتها پرچمدار عروج کمونیسم در یک کشور مهم جهان باشد. نه تنها سرنوشت این مساله در ایران، بلکه سرنوشت کمونیسم در جهان میتواند از این حرکت مردم ایران تاثیر بپذیرد. و اوائل قرن بیست و یک میتواند خیلی شبیه اوائل قرن بیست

شده شود.

آذر ماجدی - یکی دیگر

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کارگری متعلق میدانند، چه میگویید؟

منصور حکمت - ما گفتیم که در ایران باید مساله قدرت تعیین تکلیف شود و حزب باید مرکز این جدال باشد و نقش خود را انجام بدهد. نمایندگان اعضا و کادرهای حزب این بحث را شنیدند. نوارها و بحث‌ها پخش میشود، حتما خیلی‌ها متوجه میشوند. ببینید حزب کمونیست کارگری یک سازمان نیست. حزب کمونیست کارگری نوک تیز یک جنبش اجتماعی است و بسیار بسیار هستند کسانی که در ایران خود را آگاهانه با این جنبش میدانند و این جنبش را دنبال میکنند. کسانی هستند که در یک قدمی تعلق به این جنبش قرار دارند. ما در بدترین شرایط یک نیروی چند صد هزار نفره و بنظر بطور واقعی چند میلیون نفره را در ایران نمایندگی میکنیم. وقتی که پرچم ما را در ایران برافرازیم، بنظر من، اکثریت مردم را در مقابل جمهوری اسلامی نمایندگی میکنیم. ما نماینده یک "نه" بزرگ به جمهوری اسلامی، تمام تبعیضاتش، تمام عقب ماندگیهایش، تمام اختناق و ارتجاعی که بر آن مملکت حاکم کرده هستیم و این "نه" بزرگ، "نه" مردم است. در نتیجه فراخوان من به کسانی که حزب را دوست دارند اینست که متشکل بشوند، توجه بیشتری بکنند به اینکه حزب چه رهنمودهایی میدهد و اینکه چه نقشه‌هایی را طرح میکند و به کسانی که تازه دارند با حزب آشنا میشوند فراخوانم اینست که عجله نکنند، این فرصت تنگ است، باید یک جنبش اجتماعی عظیم ساخت. نباید گذاشت یک نوع راست برود و یک نوع راست دیگر بیاید. آینده این مملکت باید یک آینده چپ باشد. و حزب کمونیست کارگری برای ایفای نقشش دارد خود را حاضر میکند.

آذر ماجدی - در مورد نقش طبقه کارگر و موقعیت آن هم صحبت شد. در این مورد شما چه صحبتی دارید؟

منصور حکمت - واقعیت اینست که هر وقت طبقه کارگر تکان بخورد دیگر جمهوری اسلامی رفته است. سوال اینست که طبقه کارگر کی تکان میخورد، کی در آن مقیاسی که از آن انتظار می رود تکان میخورد. کنگره یک مقدار روی این مساله بحث کرد. بحث هایش هم بنظر من

جالب بود. چون جوانب مختلف تزهایی که در آنجا مطرح شده بود موافق و مخالف بسیاری داشت. کارگر ایرانی در چه شرایطی با به صحنه سیاست، بمعنی اخص کلمه، میگذارد؟ چه شرایطی را باید تامین کرد تا کارگر بتواند اینکار را بکند و بمشابه یک طبقه نقش بازی کند؟ الان دور دور حرکت‌های خیابانی است که بیشتر جنبش دانشجویی و جوانان در آن فعال هستند، هنوز مبارزه به آن سطحی نرسیده که طبقه کارگر حس کند که میتواند و میخواهد یک نقش رهبری کننده سیاسی بعهده بگیرد. بعنوان یک حزب کمونیستی ما موظفیم این ملزومات را فراهم کنیم. آن اتحاد و اعتماد به نفس و آگاهی به نقش سیاسی خود را در طبقه بوجود بیاوریم که این نقش را بازی کند. وقتی که کارگر نفت، کارگر صنعتی ایران متشکل حرکت بکنند، اعم از اینکه حرکت متشکلشان مستقیماً علیه دولت باشد یا نه، وقتی معلوم شود که کارگران به حرکت خود سروسامان داده اند و بعنوان یک جنبش اعتراضی اعتصابی به میدان آمده اند، بنظر من شمارش معکوس سرنگونی جمهوری اسلامی شروع میشود. ما برای چنین شرایطی تلاش میکنیم و کنگره روی جوانب مختلف این مساله خم شد.

از صفحه ۱

روزهای خونین فلسطین

شهروندان آن کشور صرفنظر از تعلقات مذهبی، قومی، نژادی و زبانی شان، قطعاً به سود حل مساله فلسطین و استقرار صلح در منطقه هم خواهد بود. صلح علاوه بر خواست مردم هر دو طرف که نیم قرن است از مشقات جنگ و کشمکش رنج میبرند، از زاویه ادغام اقتصادی و سیاسی کل منطقه در جهان سرمایه داری هم ضروری شده است، امری که بدنبال سقوط شوروی و تغییرات ناشی از آن در توازن قوای منطقه و جهان، آمریکا و اروپا هر یک از دریچه منافع ویژه خودشان آن را تعقیب کرده اند.

پروسه صلح خاورمیانه در پی جنگ خلیج شروع شد و بنا به قرارداد اسلو که سپتامبر ۱۹۹۳ با دست دادن های پرکبکبه در صحن کاخ سفید اعلام شد، قرار بود تا سپتامبر ۲۰۰۰، همه مشکلات و مراحل را تا حد تشکیل دولت فلسطین پشت سر بگذارد. قتل رایین و تسلط حزب

اطلاعیه پایانی پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب روز ۱۶ اکتبر ۲۰۰۰ برگزار شد. این نخستین پلنوم کمیته مرکزی ۳۱ نفری منتخب کنگره سوم حزب بود. وظیفه اصلی این اجلاس تعیین ترکیب ارگانهای مرکزی حزب بود. در این پلنوم منصور حکمت به دبیری کمیته مرکزی برگزیده شد و ۱۳ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی انتخاب شدند که عبارتند از:

مینا احدی، فاتح بهرامی، حمید تقوایی، علی جوادی، رحمان حسین زاده، فاتح شیخ الاسلامی، اصغر کریمی، اسد گلچینی، آذر ماجدی، آذر مدرسی، کورش مدرسی، حسین مرادیبکی، مریم نمازی.

حمید تقوایی بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد. همچنین ۱۶ نفر بعنوان مشاورین کمیته مرکزی انتخاب شدند. مشاورین کمیته مرکزی عبارتند از:

محمود احمدی، محمد آسنگران، کیوان جاوید، خالد حاج محمدی، سهیلا شریفی، امجد غفور، محمد فتاحی، پروین کابلی، همایون گدازگر، جلال محمودزاده، بهرام مدرسی، بهروز مدرسی، شهناز مرتب، مهرنوش موسوی، کاظم نیکخواه و اسماعیل ویسی به پیشنهاد دبیر کمیته مرکزی و تصویب دفتر سیاسی آذر مدرسی بعنوان رئیس هیات دبیران انتخاب شد و فاتح بهرامی، علی جوادی، رحمان حسین زاده، اصغر کریمی، آذر ماجدی، کورش مدرسی و مریم نمازی به عضویت هیات دبیران برگزیده شدند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اکتبر ۲۰۰۰

پیشرفتی نخواهد داشت. اجلاس پوچ شرم الشیخ مهر این وضعیت قفل شده را بر خود داشت. حکومت فلسطین هم در تاخیر اعلام دولت مستقل تا اواسط نوامبر، به همین فاکتور نظر داشته است. جدا از این اما عرفات و حکومتش نه میخواهند و نه میتوانند نیرو و آمادگی مبارزاتی مردم را در مسیر حل قطعی و سریع مساله کانالیزه کنند و این، ولو بطور موقت، دست فنانیسم اسلامی و دولتهای عرب را برای سوار شدن بر امواج نفرت و نارضایتی ناشی از زخمهای کهنه و تازه، در فلسطین و منطقه باز میکند. حل قطعی این معضل دیرین در گرو به میدان آمدن صف نیرومند کمونیسم و قدرتگیری طبقه کارگر در اسرائیل و منطقه است.

لیکود این پروسه را قبیچی کرد و بازگشت حزب کارگر هم مشکل گشا نشد. از "وای روبر" تا "کمپ دیوید" سه ماه پیش، همه نشست هایی که برای راه اندازی مجدد پروسه صلح و اجرای مفاد قرارداد اسلو صورت گرفتند بی نتیجه ماندند. بن بست طولانی پروسه صلح و مشکلات کابینه باراک، آرئیل شارون رهبر حزب لیکود را به طمع انداخت که بکوشد کابینه باراک و پروسه صلح هر دو را با هم به شکست بکشاند. آنچه بدنبال پرووکاسیون سه هفته پیش آرئیل شارون آمد، نه فقط زخمهای پنجاه ساله را تازه کرد، بلکه سرنوشت صلح خاورمیانه را بالفعل به مخاطره جدی انداخته است. قدر مسلم اینست که تا بعد از انتخابات آمریکا در ۸ نوامبر، پروسه صلح اگر به شکست قطعی هم نینجامد،

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

قطعه نامه درباره اوضاع سیاسی ایران

مصوب کنگره سوم (اتفاق آراء)

جمهوری اسلامی بخشهای مهمی از اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی و مدافعان رژیم کنونی را نیز در تقابل با چپ بخود جذب میکند. این یک جنبش ارتجاعی است که اساسا به اعتبار دو دهه حاکمیت ارتجاع اسلامی بر ایران، فقر اقتصادی و انزوای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران، امکان یافته است مجددا خود را طرح کند. این جنبش از نظر استراتژیکی متحد و پایگاه آمریکا و غرب محسوب میشود و در تلاقی های مهم سیاسی آتی حمایت مادی و تبلیغاتی غرب را خواهد داشت. از نظر اجتماعی افق این جریان تجدید سازمان یک سرمایه داری متکی به کار ارزان و کارگر خاموش و استبداد پلیسی - نظامی است. در خوشبینانه ترین حالت، نمونه جوامعی نظیر مصر و ترکیه دورنمایی است که این جنبش برای مردم ایران ترسیم میکند.

۱- بحران کنونی رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود و نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل رفع نیست، بلکه بناکریر دائما تعمیق میشود و زمینه های عینی واژگونی رژیم اسلامی را فراهم میکند. اولاً، بقاء هر حکومت بورژوازی، و از جمله رژیم اسلامی، در وهله اول در گرو تضمین یک دوره رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران است، صرفنظر از دشواری عظیم سازماندهی و تضمین چنین افق اقتصادی ای برای هر بخشی از بورژوازی ایران، رژیم اسلامی بنا به مشخصات ماهوی اش بطور ویژه ای از تحقق این امر عاجز است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت سیاسی و هویت اسلامی خود تاکنون نتوانسته و نمیتواند به یک حکومت متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود مناسبات حقوقی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی مناسب برای حرکت سرمایه و کارکرد و گسترش مکانیسم بازار را ایجاد و تضمین کند، و شرایط ادغام فعالانه بازار داخلی ایران در اقتصاد و بازار جهانی سرمایه داری را فراهم کند. جمهوری اسلامی نه فقط توان رفع بحران اقتصاد سرمایه داری را ندارد، بلکه خود موجب تشدید این بحران است. بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران مبنای اصلی بحران چاره ناپذیر حکومت اسلامی است. ثانیاً، حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام و رژیم سیاسی استبدادی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در یک مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب و ارباب پاسخگویی این موج اعتراضی جدید نیست و سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است.

۲- بن بست حکومت اسلامی و خطر واقعی سرنگونی و انقلاب شکافهای بسیار عمیقی در درون هیات حاکمه ایجاد نموده است. جناح راست حکومت هرنوع عقب نشینی در برابر اعتراضات مردم را سرآغاز اضمحلال حکومت میداند و خواهان ادامه سیاست سرکوب و ارباب در جامعه است. جناح اصلاح طلب، جریان دوم خرداد، در تلاش برای حفظ رژیم، خواهان سازماندهی یک حکومت اسلامی تعدیل یافته و متکی بر طیف وسیع تری از محافل و گروهبندی های ملی و اسلامی است. اما نه سیاست تشدید اختناق و نه تعدیل حکومت اسلامی هیچیک پاسخ بحران رژیم نیست. استراتژی هردو جناح در متن واقعیات اقتصاد سیاسی ایران امروز و در برابر جنبش سیاسی عظیمی که علیه حکومت اسلامی شکل گرفته است محکوم به شکست است.

۳- تحولات و کشمکشهایی که امروز در ایران در جریان است روند سرنگونی و جایگزینی رژیم اسلامی است. این روند میتواند مراحل گوناگونی را از سر بگذارد و اشکال مختلفی بخود پذیرد. آنچه مسلم است جامعه ایران در چهارچوب جمهوری اسلامی به یک موقعیت غیربحرانی و متعارف باز نمیرسد. جمهوری اسلامی رفتنی است.

۴- سرنگونی رژیم اسلامی پایان سیر تحول سیاسی در ایران نیست. کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی

دوم، ناسیونالیسم راست طرفدار غرب. سلطنت طلبان و مدافعان رژیم سابق ستون فقرات این جنبش اند، اما ابعاد واقعی این جنبش بسیار فراتر است و بخش وسیعی بورژوازی ایران و محافل و کانونهای ملی گرا و جمهوری خواه را در بر میگیرد. بعلاوه این جنبش با زوال

۵- تقابل سه جنبش سیاسی اصلی آینده جامعه ایران را رقم میزند.

اول، اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی. در سالهای اخیر جریان دوم خرداد پرچم وحدت این جنبش و بستر همکاری مستقیم آن با حکومت ارتجاعی ایران بوده است. کل طیف اپوزیسیون سازشکار حکومت اسلامی به این جنبش تعلق دارند. این جنبش که تا ضربه خامنه ای و جناح راست به اکثریت دوم خردادی مجلس اسلامی ششم صحنه سیاسی ایران را تحت الشعاع خود داشت، اکنون رو به تجزیه میرود و اهمیت و جایگاه تاکنونی خود را از دست میدهد. این یک قطب سیاسی عقب مانده و ارتجاعی و بیگانه با آزادی و حقوق مدنی مردم است و بقاء رژیم کنونی را تنها راه حفظ نفوذ خویش در حاکمیت و مقابله با جنبشهای سیاسی بیرون حکومت تلقی میکند. عمر سیاسی مفید این جنبش حداکثر باندازه عمر حکومت اسلامی است. با سرنگونی رژیم اسلامی پرونده اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی در سیاست ایران بسته میشود و نیروهای مختلف این جنبش به محافل و گروهبندیهای کم تاثیر در حاشیه جدال نیروهای اصلی راست و چپ در جامعه تبدیل میشوند.

دوم، ناسیونالیسم راست طرفدار غرب. سلطنت طلبان و مدافعان رژیم سابق ستون فقرات این جنبش اند، اما ابعاد واقعی این جنبش بسیار فراتر است و بخش وسیعی بورژوازی ایران و محافل و کانونهای ملی گرا و جمهوری خواه را در بر میگیرد. بعلاوه این جنبش با زوال

ایران یک حاکمیت مذهبی و اسلامی را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن پهاخته است.

۲- بن بست حکومت اسلامی و خطر واقعی سرنگونی و انقلاب شکافهای بسیار عمیقی در درون هیات حاکمه ایجاد نموده است. جناح راست حکومت هرنوع عقب نشینی در برابر اعتراضات مردم را سرآغاز اضمحلال حکومت میداند و خواهان ادامه سیاست سرکوب و ارباب در جامعه است. جناح اصلاح طلب، جریان دوم خرداد، در تلاش برای حفظ رژیم، خواهان سازماندهی یک حکومت اسلامی تعدیل یافته و متکی بر طیف وسیع تری از محافل و گروهبندی های ملی و اسلامی است. اما نه سیاست تشدید اختناق و نه تعدیل حکومت اسلامی هیچیک پاسخ بحران رژیم نیست. استراتژی هردو جناح در متن واقعیات اقتصاد سیاسی ایران امروز و در برابر جنبش سیاسی عظیمی که علیه حکومت اسلامی شکل گرفته است محکوم به شکست است.

۳- تحولات و کشمکشهایی که امروز در ایران در جریان است روند سرنگونی و جایگزینی رژیم اسلامی است. این روند میتواند مراحل گوناگونی را از سر بگذارد و اشکال مختلفی بخود پذیرد. آنچه مسلم است جامعه ایران در چهارچوب جمهوری اسلامی به یک موقعیت غیربحرانی و متعارف باز نمیرسد. جمهوری اسلامی رفتنی است.

۴- سرنگونی رژیم اسلامی پایان سیر تحول سیاسی در ایران نیست. کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی

۱- بحران کنونی رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود و نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل رفع نیست، بلکه بناکریر دائما تعمیق میشود و زمینه های عینی واژگونی رژیم اسلامی را فراهم میکند. اولاً، بقاء هر حکومت بورژوازی، و از جمله رژیم اسلامی، در وهله اول در گرو تضمین یک دوره رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران است، صرفنظر از دشواری عظیم سازماندهی و تضمین چنین افق اقتصادی ای برای هر بخشی از بورژوازی ایران، رژیم اسلامی بنا به مشخصات ماهوی اش بطور ویژه ای از تحقق این امر عاجز است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت سیاسی و هویت اسلامی خود تاکنون نتوانسته و نمیتواند به یک حکومت متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود مناسبات حقوقی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی مناسب برای حرکت سرمایه و کارکرد و گسترش مکانیسم بازار را ایجاد و تضمین کند، و شرایط ادغام فعالانه بازار داخلی ایران در اقتصاد و بازار جهانی سرمایه داری را فراهم کند. جمهوری اسلامی نه فقط توان رفع بحران اقتصاد سرمایه داری را ندارد، بلکه خود موجب تشدید این بحران است. بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران مبنای اصلی بحران چاره ناپذیر حکومت اسلامی است. ثانیاً، حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام و رژیم سیاسی استبدادی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در یک مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب و ارباب پاسخگویی این موج اعتراضی جدید نیست و سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است.

ثالثاً، تسلط حکومت مذهبی و مقررات و موازین ارتجاعی اسلام در ایران دیگر قابل دوام نیست. اسلامیت حکومت مستقیماً در برابر سکولاریسم عمیق مردم و جامعه و فرهنگ عامه قرار گرفته است. جامعه

ثالثاً، تسلط حکومت مذهبی و مقررات و موازین ارتجاعی اسلام در ایران دیگر قابل دوام نیست. اسلامیت حکومت مستقیماً در برابر سکولاریسم عمیق مردم و جامعه و فرهنگ عامه قرار گرفته است. جامعه

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kwpiran.org

رادیو انترناسیونال را
روی اینترنت بشنویید

www.radio-international.org